

قاتل «بی‌تا» دختری که در باغ گوجه سبز به قتل رسیده بود ، اعدام شد

16 بهمن 1401

مردی که در جنایتی هولناک دختری خردسال به نام بی‌تا روحی را همراه با پدر و نامادری‌اش در باغ گوجه‌سبز حوالی ورامین به قتل رسانده بود به دار مجازات آویخته شد تا پرونده زندگی‌اش برای همیشه بسته شود.

اردیبهشت سال ۹۸ رسیدگی به پرونده ناپدید شدن دختری هشت ساله به نام بی‌تا روحی و پدر و نامادری او با شکایت مادر بی‌تا روی میز ماموران پلیس ورامین قرار گرفت. بی‌تا روحی در حالی به قتل رسید که همراه پدر و نامادری خود به عنوان مهمان به باغ دوست پدرش رفته بودند. دوست پدر بی‌تا روحی بعد از مصرف مخدر شیشه به دلیل توهم ناشی از مصرف مواد مخدر تصور کرد که پدر بی‌تا روحی قصد آسیب زدن به او را دارد. به همین خاطر به پدر بی‌تا روحی حمله کرد و با ضربات چاقو او را به قتل رساند. قاتل برای اینکه راز جنایت هولناکش فاش نشود بعد از قتل پدر بی‌تا روحی، نامادری بی‌تا و سپس بی‌تا روحی را هم به قتل رساند. مادر بی‌تا روحی که چند سال قبل از پدر بی‌تا جدا شده بود و به دلیل مشکلات مالی حضانت دخترش را به پدرش سپرده بود، در اولین اظهارات خود به ماموران پلیس گفت: روز قبل از گم شدن بی‌تا، دخترم یک روز نزد من مانده بود و غروب آن روز قرار بود نزد پدر و نامادری‌اش برگردد. برای همین با نامادری بی‌تا به نام سحر در میدان کلاته ورامین قرار گذاشتم و بی‌تا را به او تحویل دادم.

بعد از آن دیگر از دخترم خبر نداشتم، تا اینکه صبح امروز مادر بزرگ پدری بی‌تا با من تماس گرفت و گفت که با تماس‌های بی‌پاسخ پدر بی‌تا به نام دانیال نگران آنها شده است. تا الان هم هیچ ردی از آنها در دست نیست.

در حالی که تلاش برای پیدا کردن ردی از بی‌تا و پدر و نامادری‌اش ادامه داشت، مادر بی‌تا هم حوالی همان نقطه‌ای را که آخرین بار بی‌تا را به نامادری‌اش تحویل داده بود، می‌گشت. در یکی از همان گشت‌زدن‌ها بود که مادر بی‌تا، ماشین دانیال روحی، پدر بی‌تا را پشت یکی از باغ‌های کلاته ورامین پیدا کرد. بعد در همان اطراف لباس‌های بی‌تا را پخش و پلا شده روی تپه‌ها دید. ضبط و باند و مقداری دیگر از لوازم یدکی ماشین باز شده بود و انگار سارق می‌خواست با تکاندن لباس‌های بی‌تا مطمئن شود که چیز با ارزشی بین لباس‌ها پنهان نشده است. اما همه اینها صحنه‌سازی قاتل بود برای اینکه با جابه‌جا کردن ماشین دانیال روحی روی جنایت سیاه خود سرپوش بگذارد.

یک هفته بعد از گم شدن بی‌تا و دانیال و سحر، ماموران پلیس با بررسی پرینت تماس‌های تلفن قربانیان متوجه شدند که آخرین تماس‌های دانیال با یکی از دوستان خود برقرار شده بود. دوست دانیال به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد و در همان بازجویی‌های اول به قتل اعتراف کرد.

او در مورد شب حادثه گفت: آن شب دانیال و همسر و فرزندش در باغ گوجه‌سبز مهمان من بودند. من موادمخدر مصرف کرده بودم و کمی از حال طبیعی خودم خارج شده بودم. سر شب به خانه خودمان که در همان نزدیکی است، رفتم تا برای مهمان‌هایم غذا بیاورم. وقتی به باغ برگشتم، دانیال در را به روی

من باز کرد. همسرش و بیتا در اتاقک ته باغ بودند. وارد باغ که شدم، دانیال ایستاد و در را پشت سر من بست. در همان حال خودم که به خاطر مصرف شیشه حال طبیعی نداشتم، احساس کردم صدای پا پشت سرم نمی‌شنوم. فکر می‌کردم نکند دانیال به من مظنون شده است و بخواهد به من آسیبی برساند. همین ترس ناشی از مصرف مواد مخدر سبب شد که یکدفعه با او درگیر بشوم. حتی در آن درگیری دانیال گردن من را هم زخمی کرد، اما سرانجام سر او را به لبه جدول باغ کوبیدم و با ضربه‌های چاقو او را از پا درآوردم. همسرش از صدای درگیری ما دم در باغ آمد. جیغ می‌کشید و من برای اینکه راز قتل دانیال فاش نشود، گلوی همسرش را هم بریدم. بعد صدای جیغ و گریه بیتا را شنیدم. انگار ترسیده بود. یک تکه آجر دستش گرفته بود و ایستاده بود و جیغ می‌زد. آجر را از دستش گرفتم و برای اینکه صدای جیغ کشیدنش خاموش شود، دهانش را گرفتم و تیزی را زیر گلویش کشیدم. متهم در ادامه اعترافات خود گفت: بعد هر سه جسد را در همان باغ دفن کردم. بعد برای اینکه ماشین دانیال در اطراف باغ من کشف نشود و کسی به من مظنون نشود، با برادرم تماس گرفتم و گفتم ماشین را سرقت کرده‌ام. ماشین را به محلی دیگر منتقل کردم و با برادرم لوازم ماشین را باز کردیم. با اطلاعاتی که متهم از جنایت هولناک خود در اختیار ماموران قرار داد، اجساد قربانیان بی‌گناه در باغ گوجه سبز کشف و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

متهم در دادگاه سعی می‌کرد از پذیرش اتهام خود سر باز بزند و از حقیقت طفره می‌رفت. او در دفاعیات خود سناریوی جدیدی مطرح کرد و با دروغ‌پردازی گفت: دانیال و همسرش قصد سرقت اموال من را داشتند. من در حالت توهم ناشی از مصرف مواد مخدر بودم و برای دفاع از خودم آنها را از پای درآوردم.

اما او نتوانست برای به قتل رساندن بیتا انگیزه‌ای جز خاموش ماندن راز جنایتش فاش کند و در سوال و جواب قاضی مشخص شد، مصرف مخدر او را در حدی از حال خود خارج نکرده بود که مسلوب‌الاراده باشد و اختیار اعمال خود را نداشته باشد.

به این ترتیب دفاعیات موهوم متهم موثر واقع نشد و قضات شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران، حکم سه بار قصاص را برای متهم صادر کردند.

حکم صادر شده در دیوان عالی کشور نیز مورد تایید قضات واقع شد و با ارجاع به واحد ارجاع احکام دادسرای ورامین، شمارش معکوس برای اعدام متهم آغاز شده است. اگرچه بارها مادر بیتا در صفحه مجازی خود اعلام کرد زمان گذشته و چرا اجرای حکم به وقفه افتاده است. مثلاً هشت ماه پیش بود که اجرای حکم به واحد اجرای احکام ارسال شد و هنوز مورد تایید نهایی برای اجرا قرار نگرفته بود که مادر بیتا در صفحه خود خبر تایید نهایی را برای اجرای قصاص اعلام کرد.